

[مقدمه واجب 2](#_Toc21424596)

[واجب مشروط 2](#_Toc21424597)

[فعلیت اراده در واجب مشروط 2](#_Toc21424598)

[خلاصه کلام مرحوم نائینی در رابطه با فعلیت اراده در واجب مشروط 2](#_Toc21424599)

[فعلیت اراده منوطه در کلام مرحوم آغا ضیاء 2](#_Toc21424600)

[مطلب اول مرحوم آغا ضیاء: تبعیت اراده از علم 2](#_Toc21424601)

[مطلب دوم مرحوم آغا ضیاء: ابراز، شاهد تابعیت اراده از علم 3](#_Toc21424602)

[مطلب سوم مرحوم آغا ضیاء تحفظ بر دو ظهور در جمله شرطیه 4](#_Toc21424603)

[تکلف داشتن سه مطلب مرحوم آغا ضیاء 4](#_Toc21424604)

[نقد مطلب اول مرحوم آغا ضیاء: عدم تلازم بین علم و فعلیت اراده 4](#_Toc21424605)

[نقد مطلب دوم مرحوم آغا ضیاء: عدم تلازم بین ابراز و فعلیت اراده 4](#_Toc21424606)

[نقد مطلب سوم مرحوم آغا ضیاء: عدم ظهور جمله شرطیه در فعلیت وجوب 5](#_Toc21424607)

**موضوع**: رجوع قید به ماده /واجب مشروط /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

مرحوم شیخ فرمود: وقتی مولا چیزی را در نظر می­گیرد یا مطلقا آن را اراده می­کند و یا مقیدا آن را اراده می­کند... مرحوم نائینی فرمود: مراد مرحوم شیخ این است که در واجب مشروط، اراده فعلیت دارد هر چند که واجب بعدا محقق می­شود.

# مقدمه واجب

## واجب مشروط

### فعلیت اراده در واجب مشروط

#### خلاصه کلام مرحوم نائینی در رابطه با فعلیت اراده در واجب مشروط

مرحوم نائینی فرمود: در واجب مشروط اراده فعلی است. ایشان ادعا کرده است که وجه دوم مرحوم شیخ در رابطه با رجوع قید به ماده، ناظر به این مطلب است که اراده فعلی است. زیرا مفاد کلام ایشان این است که در موردی که مطلوب مولا مقید است، اراده فعلی است.

برای کلام مرحوم نائینی استشهاد شد به این که فرق است بین کسی که اهل حج است و الان مستطیع نیست ولی اراده فعلی دارد که اگر در آینده مستطیع شد، حج برود و بین کسی چنین اراده ندارد. یعنی اگر در آینده مستطیع بشود، اراده ندارد که حج برود. در یکی اراده فعلی است و در دیگری اراده فعلی نیست.

به نظر ما این مطلب تایید کلام مرحوم نائینی نیست. در حال حاضر هر دو اراده ندارد. فارق آن ها این است که اگر شرط محقق بشود، یکی آن را اراده می­کند و دیگری آن را اراده نمی­کند.

نتیجه:ادعای مرحوم نائینی ( فعلیت اراده و استدلال به وجدان و تایید) درست نیست.

#### فعلیت اراده منوطه در کلام مرحوم آغا ضیاء

ما کلام ایشان را در سه محور مطرح می­کنیم و بعد به تعلیقه هایی که در هر سه کلام ایشان وجود دارد، پرداخته می­شود.

##### مطلب اول مرحوم آغا ضیاء: تبعیت اراده از علم

مرحوم آغا ضیاء می­فرماید:[[1]](#footnote-1) در واجب مشروط هم اراده فعلی است و هم وجوب فعلی است. زیرا اراده همان وجوب است. اراده هست ولی اراده منوطه هست.

قبل از بیان اثبات مطلب اول، یک مقدمه بیان می­شود:

قیود در تقسیمی به دو نوع تقسیم می­شوند:

1. یک قسم از قیود دخیل در اتصاف فعل به وجوب هستند. آنها قیودی هستند که اگر آن ها نباشند عمل ملاک ندارد. مانند استطاعت که از قیود حج است. اگر استطاعت نباشد حج ملاک لزومی ندارد.
2. قسم دوم قیودی هستند که دخیل در اتصاف و ملاک نیستند. بلکه در فعلی شدن ملاک دخیل هستند. پس آن قیود دخیل در استیفای واجب هستند. مثل نماز با طهارت. ملاک نماز متوقف بر تحقق خارجی طهارت نیست. بله اگر بخواهد نماز با طهارت ملاکش استیفاء بشود باید طهارت تحصیل بشود. فرق شرط واجب و شرط وجوب همین مطلب است. چه وضو گرفته شود و چه وضو گرفته نشود نماز با طهارت واجب است. اما دراستطاعت این گونه نیست. یکی دخیل در اصل ملاک است و یکی دخیل در استیفای ملاک است.

ایشان فرموده است: هر چند که وجود خارجی قیود، دخیل در اتصاف فعل به وجوب و ملاک دار شدن آن هاست، اما در فعلیت اراده، وجود خارجی آنها دخیل نیستند. بلکه وجود لحاظی کافی است. هر چند که قیودی دخیل در اتصاف هستند اگر تحقق خارجی نداشته باشند عمل ملاک ندارند، اما وجود خارجی دخیل دراراده نیست. چیزی که دخیل دراراده است لحاظ و علم به قیود است. زیرا اراده یک امر نفسانی است ومبادی امر نفسانی نفسانی است. معقول نیست که استطاعت خارجی دخیل در اراده داشته باشد. چه بسا استطاعت خارجی باشد ولی چون علم به آن نیست اراده به حج فعلیت ندارد. پس چیزی که دخیل دراراده است، علم به استطاعت است. بنا بر این، چون علم در حال حاضر وجود دارد پس اراده فعلی است و چون علم به ملاک در زمان آینده است پس اراده فعلی هم منوط به آن زمان است.

نتیجه: الان اراده فعلی است ولی منوط است. چون علم منوط است، اراده هم منوط است. اراده هم در اصل و هم در خصوصیات تابع علم است. علم ما بالفعل به ملاک در زمان آینده است، پس اراده هم این گونه است.

##### مطلب دوم مرحوم آغا ضیاء: ابراز، شاهد تابعیت اراده از علم

شاهد این مطلب صدور انشاء از مولا است. الان استطاعت نیست ولی وجوب حج را ابراز می­کند. این ابراز یا باید نفسش ملاک داشته باشد که معنا ندارد ابراز مولا ملاک نفسی داشته باشد. این ابراز مطلوبیت غیری دارد. آن غیر همان اراده است. پس ابراز به خاطر اراده بالفعل است. این که الان ابراز وجود دارد منشاش اراده فعلی به مبرَز است. اراده ابرازش اراده غیر است و متمشی از همان فعل است. اگر اراده بالفعل به حج ندارد پس چرا آن را ابراز کرد؟ ابراز که خودش ملاک نفسی ندارد، پس به خاطر اراده به فعلی است که در آینده خواهد آمد.

##### مطلب سوم مرحوم آغا ضیاء تحفظ بر دو ظهور در جمله شرطیه

با این بیان به دو ظهور تحفظ می­کنیم. بیان مطلب این است که جمله شرطیه دو ظهور دارد:

1. وجوب حج منوط به استطاعت شده است.
2. حج کن ظهور در فعلیت دارد یعنی الان حج را واجب کردم

با این بیان هم وجوب بالفعل درست شد و هم اناطه درست شد. یعنی فعلیت جزاء و منوط بودن آن به شرط درست شد. این بیان همان اراده منوطه است. البته حقیقت وجوب همان اراده منوطه است.

اگر این بیان درست باشد، واجب مشروط معنای سومی پیدا می­کند. نه معنای مشهور که وجوب مشروط باشد و نه معنایی که نسبت به شیخ داده شده است که واجب قید دارد و وجوب فعلی است. بلکه وجوب بالفعل است، خلافا للمشهور و واجب هم منجز است ،خلافا للشیخ.

###### تکلف داشتن سه مطلب مرحوم آغا ضیاء

نقد مطلب اول مرحوم آغا ضیاء: عدم تلازم بین علم و فعلیت اراده

ایشان فرمود: اراده از علم ناشی می­شود به این معنا که اگر علم نبود اراده نیست، ادعای متین است. یکی از مبادی اراده تصور و تصدیق به فایده و... است. تبعیت به این معنا درست است. اما این که فرمود: اگر علم پیدا شود پس اراده پیدا می­شود برهان ندارد. چه بسا بعد از علم، اراده ایجاد نشود. تبعیت به این معنا که هر وقت علم پیدا شود اراده هم هست، درست نیست. ما برهانی بر این تبعیت نداریم. بلکه مقدمه اراده یک نوع احساس است( کما این که به این مطلب مرحوم شهید صدر تذکر داده است) و مجرد علم نیست. اضافه بر علم باید احساسی باشد که اراده به وجود بیاید. الان کسی که مریض شده است علم به نفع فلان دواء دارد. تا احساس نکند که باید خورده بشود، (همان احساسی که در ذهن بد دواء نمی­آید)، اراده نمی­آید. پس فارق بین خوش دواء و بد دواء همان احساسی است که در ذهن خوش دواء هست و در ذهن بد دواء نیست.

پس تبعیت به این معنا که اگر علم نباشد اراده نیست، درست است اما تبعیت به این معنا که اگر علم باشد حتما اراده هست، درست نیست.

نقد مطلب دوم مرحوم آغا ضیاء: عدم تلازم بین ابراز و فعلیت اراده

ایشان فرمود چون الان ابراز بالعفل شده است پس اراده بالفعل هم هست. چه اشکالی دارد که الان ابراز بکند ولی الان اراده ندارد و در آینده آن را اراده می­کند؟ این بیان رد بر شاهد دوم مرحوم نائینی نیز هست. هیچ اشکالی ندارد که غسل جنب قبل از طلوع فجر مراد مولا است، با این که اراده صوم را نکرده است از الان اراده غسل کرده است. چون در زمان آینده ممکن است تمکن وجود نداشته باشد که خطاب به مکلف ایصال بشود از الان ابراز صورت بگیرد. هر چند که ابراز ملاک نفسی ندارد و برای تحفظ بر مراد آتی است اما دلیل نداریم که اگر ابراز آتی باشد حتما باید اراده هم آتی باشد. می­توان الان ابراز باشد ولی اراده فعلی نباشد.

نقد مطلب سوم مرحوم آغا ضیاء: عدم ظهور جمله شرطیه در فعلیت وجوب

ایشان گفته است: جمله شرطیه دو ظهور دارد و بر هر دو ظهور تحفظ کردیم. یک ظهور اناطه است که تحفظ شده است و این درست است. اما این که وجوب بالفعل باشد ما نفهمیدیم. چه کسی گفته است که فاکرمه ظهور در فعلیت وجوب دارد؟ همان که مشهور فهمیده اند همان درست است. ظاهر اناطه این است که وقتی که شرط فعلی شد، مشروط هم فعلی می­شود.

مختار استاد: مرحوم آغا ضیاء در چند مورد اراده منوطه را ادعا کرده است ما نفهمیدیم. هم اراده بالفعل باشد و هم اراده منوط باشد ما نفهمیدیم.

1. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج2، ص295.](http://lib.eshia.ir/13053/2/295/تصویر) [↑](#footnote-ref-1)